



تبیین ژئوپلیتیک کریدورهای انرژی در منطقه غرب آسیا

با گذشت زمان و پیشرفت فناوری و برآوردهای اقتصادی از انتقال انرژی این مناطق، بحث انتقال از طریق لوله های نفتی در دستور کار سیاست انرژی کشورهای مبدأ و مقصد قرار گرفته است که می‌تواند بر روی امنیت ملی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد اثرگذار باشد.

آران نیوز_ منطقه غرب آسیا را می‌توان پهنه جغرافیایی بین دو دریا دانست. این محدوده منطبق بر بیضی استراتژیک انرژی است که بیش از 70 درصد ذخایر نفت جهان و بیش از 40 درصد گاز طبیعی جهان را در خود جای داده است [1]. غرب آسیا را از منظر انرژی در یک نگاه کلی می‌توان به دو منطقه قفقاز و خلیج فارس تقسیم کرد، دو جغرافیای کاملاً متفاوت که تنها وجه اشتراک آن‌ها در حوزه انرژی است. نیاز جهان مدرن به این ماده حیاتی سبب تمرکز توجهات به این مناطق شده است. با گذشت زمان و پیشرفت فناوری و برآوردهای اقتصادی از انتقال انرژی این مناطق، بحث انتقال از طریق لوله‌های نفتی در دستور کار سیاست انرژی کشورهای مبدأ و مقصد قرار گرفته است که می‌تواند بر روی امنیت ملی ایران با توجه موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد اثرگذار باشد. بدین ترتیب، این مقاله بر آن است ژئوپلیتیک این کریدورها را با محوریت منافع جمهوری اسلامی ایران تبیین کند.

قفقاز و کریدورهای انرژی

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قفقاز جنوبی در صحنه سیاست خود را مطرح ساخت. با استقلال سه جمهوری این منطقه، جغرافیای مرتبط با آن هم خارج از سیاست سنتی شوروی محل توجه بازیگران قرار گرفت. از جالب توجه‌ترین پدیده‌های جغرافیایی قفقاز انرژی است که منابع غنی از این سوخت فسیلی [1] را در خود جای داده است. تا قبل از فروپاشی شوروی تمام مسیرهای عمده انتقال نفت و گاز منطقه از خاک روسیه عبور می‌نمود و این موجب وابستگی آن‌ها به روسیه می‌شد، با ظهور واحدهای سیاسی مستقل، کشورهای حوزه خزر خواستار استقلال در تمام حیات سیاسی خود شدند. در این راستا، سیاست‌های مربوط به انرژی تنوریزه شد و با توجه به جغرافیای بسته و ناتوانی از حمل از طریق کشتی، بحث انتقال آن از طرق لوله از همان نخست در دستور کار بازیگران قرار گرفت و بدین ترتیب شاهد طرح و اجرایی شدن مجموعه‌ای از خطوط شدیم که در ذیل به اهم آن‌ها و مزیت و عیب‌هایشان پرداخته می‌شود.

الف) خط انرژی باکو، تفلیس جیهان [2]

این خط از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت دریای خزر به بازارهای جهانی است که به شدت مورد حمایت آمریکا، اروپا و ترکیه است. این مسیر 1776 کیلومتری از ساحل غربی دریای خزر شروع و از سه کشور آذربایجان، گرجستان و ترکیه عبور کرده و در ساحل دریای مدیترانه به کشتی منتقل و از آنجا نیز به بازارهای جهانی جابجا می‌شود. از ویژگی‌های قابل ملاحظه خط انرژی مزبور آن است که از میزان وابستگی اروپا به نفت غرب آسیا و خط لوله عبوری از خاک روسیه می‌کاهد. از ویژگی‌های دیگر خط لوله مزبور، ایجاد موقعیت‌های ژئوپلیتیکی برای قدرت‌های بزرگ است. این شرایط ژئوپلیتیکی برای دو کشور روسیه و آمریکا از اهمیت اساسی و بالایی برخوردار است. بر این اساس، روسیه با توسل به خط لوله مزبور در پی نوعی بازار انحصاری در بازارهای جهانی انرژی به خصوص صادرات گاز به اروپا است. این ویژگی برای آمریکا بدان جهت دارای اهمیت است که آمریکا با احداث این خط لوله اهداف سیاسی را تعقیب می‌نماید [2].

مزیت این خط در این است که به میزان زیادی هزینه‌های اقتصادی را کاهش داده است، این درحالی است که این خط در صورت انتقال از ایران می‌بایست از آن آنجا به کشتی‌های نفتکش تحویل می‌شد و از آنجا نیز به سمت اروپا و بیشتر به جنوب اروپا در دریای مدیترانه حمل می‌شد. در این صورت تانکرهای نفتکش باید با گذر از تنگه استراتژیک هرمز وارد دریای عرب می‌شدند و سپس با گذر از تنگه باب المندب وارد دریای سرخ شده و با گذر از کانال سوئز و پرداخت عوارض زیاد به دریای مدیترانه وارد شده و به بازارهای مصرف در دریای مدیترانه یا با گذر از تنگه داردانل و بسفر وارد دریای سیاه می‌شد [3].

ب) خط لوله باکو سوپسا

این خط لوله به طول 515 مایل، باکو را به بندر سوپسای گرجستان در ساحل شمالی دریای سیاه با ظرفیت 300 تا 600 هزار بشکه در روز متصل می‌سازد. مسائل امنیتی به‌ویژه اقدامات خرابکاران از سوی گروه‌های معارض گرجی نقطه ضعف اساسی برای این مسیر است.

ج) باکو نوروسیسک

البته در کنار این خطوط، کریدورهای دیگری نیز وجود دارد همچون باکو نوروسیسک که مورد حمایت روسیه است. این خط لوله با 1072 مایل طول به سمت شمال یا دقیق‌تر شمال غربی امتداد می‌یابد. این خط از میدان‌های نفتی باکو آغاز می‌شود و با گذر از چند جمهوری خودمختار از جمله ماهاچ قلعه (ماخاچ قلعه) در داغستان و گروزنی در چچن به بندر نوروسیسک روسیه در کنار دریای سیاه می‌پیوندند [4].

د) کریدور قزاقستان سین‌کیانگ

انرژی این منطقه علاوه بر غرب، بخشی نیز راه به سوی شرق پیدا کرده است. یکی از این کریدورها، کریدور قزاقستان سین‌کیانگ چین با 613 مایل است که انرژی را از این حوزه به شرق منتقل می‌کند. این خط نشان دهنده تلاش چین برای استفاده از منابع انرژی غنی منطقه دریای خزر بوده است [5]. بدین ترتیب، از طریق این خط شرق نیز در محیط فضایی قفقاز مجال بازیگری می‌یابد.

و) خط لوله آذربایجان ایران و قزاقستان، ترکمنستان ایران

این خطوط به دلیل تحریم‌های بین‌المللی در مرحله امکان‌سنجی متوقف شده اند [6].

کریدور خطوط گاز

در کنار کریدورهای نفت، خطوط گاز هم وجود دارند که به امر انتقال گاز منطقه اهتمام می‌ورزند. اهم آن‌ها به قرار زیر است:

الف) خط لوله ناپاکو

این خط با طول 3300 کیلومتر و ظرفیت سالانه 45 میلیارد متر مکعب گاز طبیعی کشورهای آسیای مرکزی از مسیر ترکیه، بلغارستان، مجارستان، رومانی و اتریش را به بازارهای هدف در اروپا انتقال می‌دهد.

ب) خط لوله گاز طبیعی ترانس خزر [3]

این خط لوله با ظرفیت اولیه 565 میلیارد فوت مکعب و به طول 1029 مایل از بندر «ترکمن‌باشی» در شرق دریای خزر در ساحل ترکمنستان آغاز و با گذر از بستر دریای خزر به باکو می‌رسد. از آنجا به ارزروم و به شبکه سراسری گاز ترکیه متصل [8] و سپس بخشی از آن به اروپا منتقل می‌شود.

ج) خط لوله انتقال گاز باکو، تفلیس ارزروم [4]

این خط لوله از منطقه قفقاز به سمت غرب از آذربایجان به تفلیس و سپس در مسیری به سوی جنوب ترکیه به شهر ارزروم کشیده می‌شود که در آنجا به شبکه خط لوله سراسری گاز ترکیه متصل خواهد شد. این خط لوله گاز استخراجی با طول 630 مایل، منابع عظیمی از گاز طبیعی آذربایجان در منابع دریای «شاه دنیز» را که ذخایر اثبات شده آن 460 میلیارد مترمکعب است، به ترکیه منتقل خواهد کرد [9].

(د) خط لوله ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان چین

این کریدور به طول 2000 کیلومتر و ظرفیت انتقال سالانه 30 میلیارد متر مکعب گاز آسیای مرکزی و قفقاز را به چین انتقال می‌دهد [10].

مشاهده می‌شود ایران در همه طرح‌های کلان انتقال انرژی منطقه، از جمله ناباکو، باکو جیهان به دلیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، غایب بزرگ به‌شمار می‌رود. مزیت کلی این خطوط رهایی کشورهای مبدأ از کنترل روسیه است. برای آذربایجان علاوه بر روسیه رهایی از وابستگی به ایران یک هدف اساسی محسوب می‌شود؛ اما در کنار مزیت این خطوط از ضعف‌های کلی همچون نگرانی‌های زیست‌محیطی، امنیتی و ژئوپلیتیکی رنج می‌برند. در تمام جمهوری‌های خودمختار قفقاز شمالی و همچنین در سه کشور مستقل قفقاز جنوبی، امکانات بالفعل و بالقوه برای درگیری‌های قومی وجود دارد، بنابراین بی‌ثباتی منطقه‌ای نگرانی اصلی و مستمر است. مسئله مهم دیگر باز شدن پای بازیگران فرا منطقه به محیط بسیار پیچیده قفقاز و گرم شدن رقابت در این فضا است.

خلیج فارس و کریدورهای انرژی

خلیج فارس بخش جنوبی بیضی استراتژیک انرژی را تشکیل می‌دهد با این تفاوت که از طریق تنگه هرمز به دریای آزاد وصل است و دسترسی مناسبی برای شرق و غرب فراهم می‌آورد. این منطقه با دارا بودن 42 درصد گاز طبیعی و 61/5 درصد نفت جهان همواره مورد توجه جهان بوده است. در این پهنه نفت‌خیز روزانه 17 میلیون بشکه نفت خام و 3/5 میلیارد فوت مکعب گاز مایع تولید می‌شود، این میزان از دو طریق کشتی و لوله به بازارهای مصرف می‌رسد. در گذشته عمده انرژی این منطقه از طریق کشتی به بازارهای جهانی حمل می‌شد لیکن استراتژی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مبنی بر رهایی از وابستگی به تنگه هرمز و مسائل اقتصادی از بعد هزینه، پروژه‌های انتقال انرژی از طریق لوله به بازارهای هدف را در کانون توجه دولت‌های مبدأ و به‌ویژه مقصد قرار داده است. در ذیل به اهم این خطوط به طور اجمال اشاره می‌شود:

(الف) خط لوله کرکوک به تریپولی و بانیا

این خط با ظرفیت 1/2 تا 1/4 میلیون بشکه نفت در روز نفت عراق را به بندر تریپولی و بانیا در سوریه منتقل می‌کند. خط لوله نفتی کرکوک به تریپولی یا پرابلس لبنان در اثر حوادث سیاسی و امنیتی داخلی آن کشور قطع شد. خط لوله دوم نیز در اثر اختلاف بین عراق و سوریه بر سر حق ترانزیت در 1976 قطع شد، این توقف باعث شد تا عراق تصمیم به دو خط لوله جدید از کرکوک به حدیته و سپس به بندر فاو در خور عبدالله و دیگری به ترکیه بگیرد.

(ب) خط کرکوک جیهان [5]

با مسدود شدن خطوط لوله فوق در اثر حوادث سیاسی امنیتی عراق در 1981، این کشور اقدام به صادر کردن نفت به نقطه امن‌تر از خلیج فارس کرد. خط کرکوک به جیهان با ظرفیت 700 هزار بشکه در روز بود که در ادامه به 1/6 میلیون بشکه در روز افزایش یافت [12]. کریدور مزبور از دو لوله به قطر 46 اینچ و 40 اینچ با ظرفیت 1/100 هزار و 500 هزار بشکه در روز طراحی شده است [13] که از وضعیت بی‌ثبات منطقه مصون نمانده و به کرات مورد هجوم واقع و منفجر شده است.

(د) خط لوله تاپ لاین [6] (ترانس عربی)

این خط، لوله ای است که احداث آن در سال 1947 با ظرفیت اولیه 500 هزار بشکه در روز شروع شد و از منطقه القیصومه واقع در عربستان سعودی تا بندر صیدون یا صیدا در لبنان کشیده شده است. این خط لوله در اوج کاری خود با کمک به توسعه اقتصاد لبنان- و همچنین تسریع در روابط سیاسی آمریکا و غرب آسیا، مهم‌ترین عامل در تجارت جهانی نفت به‌حساب می‌آمد. هر چند این خط در حال حاضر به دلیل اختلافات عربستان، اردن و لبنان بر سر حق ترانزیت انتقال نفت خام تعطیل است، لیکن تاپ لاین به‌صورت یک مسیر بالقوه صادراتی برای صادرات نفت خلیج فارس به اروپا و آمریکا باقی مانده است چرا که انتقال نفت از طریق تاپ لاین به اروپا حداقل 40 درصد ارزان‌تر از انتقال نفت از طریق کانال سوئز انجام می‌شود [14].

(و) خط لوله گوار به ینوع (پترولاین [7])

ترمینال نفتی ینوع در 1981 اولین محموله نفتی خود را از لوله گوار دریافت کرد. این خط که با هدف کاهش وابستگی عربستان به تنگه هرمز گشایش یافته بود، ظرفیت انتقال 5/1 میلیون بشکه در روز نفت خام سبک و فوق سبک عربستان را از منطقه آبیوق به بندر ینوع در دریای سرخ دارا است.

(ه) خط لوله عراق عربستان

این خط در اثر توافق سال 1981 بین دو کشور حاصل آمد و نفت بصره را به بندر ینوع منتقل می‌کند. ظرفیت این خط لوله 1/6 میلیون بشکه در روز است. در حال حاضر به دلیل اختلافات دولت عراق و عربستان، نفت خامی از طریق آن صادر نمی‌شود و تنها مقداری از گاز عربستان را از شرق این کشور به غرب آن برای مصرف مجتمع‌های پتروشیمی منتقل می‌کند [15].

بیشتر این خطوط با هدف کاهش وابستگی به تنگه هرمز و هزینه‌های حمل و نقل طراحی و اجرا شده‌اند؛ اما به جز خطوط داخل کشوری همچون پترولاین بیشتر این کریدورها به دلایل سیاسی، اختلافات داخلی یا امنیتی از کار افتاده یا جریان مستمر انتقال آن‌ها دچار وقفه شده است.

کریدورهای انرژی و منافع جمهوری اسلامی ایران

قرارگیری ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی (نفت و گاز) و نقش محوری ایران در منطقه اتصال قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا باعث شده که ایران از نظر اقتصادی و جغرافیایی منطقه‌ای حیاتی و مرکزی و نیز کانونی ترانزیتی برای خشکی‌های جهان به‌شمار آید. این موقعیت ایران در منطقه ایجاب می‌کند که شاهراه‌های اصلی انتقال انرژی از مسیر این کشور عبور کند؛ به‌ویژه با علم به اینکه ترانزیت هر یک میلیون بشکه نفت در روز، درآمدی معادل یک میلیارد دلار در سال را برای این کشور به ارمغان می‌آورد. در بعد امنیت انرژی نیز، به دلیل اتصال خطوط لوله‌های انتقال انرژی کشورهای منطقه به خطوط لوله ایران، ارتقای امنیت ملی را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، با استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران می‌تواند با برقراری تعامل و پیوندی عمیق بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آسیایی به‌عنوان حرکتی اقتصادی در جهت امنیت و منافع ملی گام بردارد [16] و وزن خود را در حیات سیاسی و اقتصادی جهان افزایش دهد. لیکن با نگاه به خطوط یاد شده مشاهده می‌شود که نه تنها این هدف برای ایران بسیار دور است بلکه بسیاری از توانمندی‌های جغرافیایی آن را نیز دچار چالش شده است. ایران از بازیگری در محیط جغرافیایی شمال محروم شده و در جنوب قدرت مانور ایران در تنگه هرمز کاسته شده است، در کنار این دو نکته محیط جغرافیایی پیرامون آن نیز با حضور بازیگران فرامنطقه‌ای به شدت رقابتی و نامنم شده است.

(الف) ایران و کریدورهای جغرافیای قفقاز

با وجودی که ایران از خطوط لوله انتقال جنوبی از طریق ایران حمایت می‌کرد این خط انتخاب نشد. فرض می‌شود که این خط لوله از ایران عبور می‌کرد، در آن صورت امنیت منطقه و قفقاز به امنیت ایران گره می‌خورد و این موضوع به شدت مورد نگرانی ایالات متحده و حتی روسیه بود. از ویژگی‌های سیاسی کریدور انرژی باکو، تفلیس جیهان برای آمریکا بدان جهت دارای اهمیت است که آمریکا با احداث این خط لوله اهداف سیاسی را تعقیب می‌نماید این استدلال با نگاه به اینکه آمریکا در پشت حمایت از بیشتر خطوط لوله‌های انتقال انرژی این منطقه قرار دارد منطقی می‌نماید. به‌طور کلی هدف آمریکا از این بازی، حضور در منطقه قفقاز و تسلط بر حیات سیاسی، اقتصادی منطقه و به‌نوعی مدیریت آن است. از این راه علاوه بر آنکه نفوذ روسیه را به چالش می‌کشد، ایران را هم از موقعیت ممتاز طبیعی و استراتژیک منطقه‌ای خود محروم می‌سازد. این در حالی است که مسیر ایران برای کریدورهای قفقاز چند امکان مطلوب دارد. همچون:

کریدورها تنها از یک کشور می‌گذرند.
از امنیت بیشتری برخوردار خواهند بودند.
وصل مستقیم به دریای آزاد می‌شوند.
علاوه بر بازار غرب، بازار شرق را نیز در اختیار کشورهای مبدأ قرار می‌دهد که مسیرهای فعلی از آن مستثنا هستند.
ب) ایران و کریدورهای حوزه خلیج فارس

ایران جغرافیای منفعل در سیاست جهان نیست. این کشور در محیط استراتژیک جنوب نیز به نوعی از جانب بازیگرانی در وضعیت دیالکتیک قرار دارد. خطوط انتقال انرژی از مسیرهایی غیر از تنگه هرمز دلیلی گویا بر برقراری ژئوپلیتیک لوله‌های نفت در این محیط است که کانون آن متوجه ایران است، چراکه ارزش جغرافیایی استراتژیک تنگه هرمز را به چالش می‌کشد هر چند ایران هم در مقام پاسخ برآمده و پروژه‌هایی را مطرح ساخته است لیکن آن‌ها نیز با چالش مواجه شده‌اند.
خط لوله ایران عراق- سوریه [8] (خوانده شده به نام خط لوله دوستی از سوی دولت‌های درگیر و خط لوله گاز اسلامی از سوی برخی از منابع غربی) یکی از این پروژه‌ها است. یک خط لوله گاز طبیعی پیشنهادی از میدان گازی پارس جنوبی ایران از طریق ایران، عراق، سوریه و لبنان برای عرضه به مشتریان عراقی، سوری، لبنان و اروپایی است که در اکتبر 2010 در پی فشار بیش حد از تحریم‌های آمریکا علیه ایران رها شد.

پروژه دیگر ایران، خط لوله صلح نام دارد که گاز صادراتی ایران را به هند و پاکستان انتقال می‌داد. بر اساس آن ایران متعهد می‌شد ظرف 25 سال، گاز خود را به قیمتی توافقی به هند و پاکستان بفروشد. هر چند این اقتصادی‌ترین روش تأمین انرژی شبه قاره بود لیکن به دلایلی تاکنون پیشرفتی نداشته است [17]. این در حالی است که موقعیت جغرافیایی ایران برای حوزه خلیج فارس هم امکان‌های مطلوبی در اختیار کشورهای مبدأ مانند دسترسی آسانی به بازار غرب و شرق و امنیت خطوط قرار می‌دهد.
کریدورها و تأثیر بر آینده منطقه و انرژی جهان

بر اساس سند مرجع 2007 سازمان بین‌المللی انرژی، از سال 2004 تا 2030 رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (GDP) در جهان سالیانه 4/1 درصد خواهد بود. این نرخ رشد بیشتر از آن چیزی است که 25 سال پیش تخمین زده شده بود. دلیل اصلی این امر نیز آن است که کشورهای در حال توسعه که بر اساس برآوردهای موجود رشد اقتصادی سریع‌تری را تجربه خواهند کرد، سهم فزاینده‌ای از رشد تولید ناخالص جهانی را برخوردارند. بر اساس همان سند، نرخ رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) که علاوه بر کشورهای اروپایی، روسیه و کشورهای آمریکای شمالی نیز در آن عضویت دارند، از سال 2004 به طور سالیانه 2/6 درصد تخمین زده می‌شود. در حالی که کشورهای آسیایی غیر عضو در OSCE مثل چین و هند از سال 2004 تا 2030 به ترتیب 6/5 و 5/7 درصد رشد اقتصادی را تجربه خواهند کرد [18]. لذا بحث انرژی نه تنها برای کشورهای صنعتی، بلکه برای کشورهای در حال توسعه نیز از اهمیت حیاتی برخوردار است. لذا با توجه به اینکه طبق برآوردهای به عمل آمده، منابع هیدروکربنی انرژی (نفت و گاز طبیعی) دست کم تا افق 2030 همچنان ستون اصلی مصرف جهانی انرژی را تشکیل خواهد داد؛ بنابراین طبیعی است که نگاه‌های جهانی به این منطقه دوخته شود. از این رو، جغرافیای مورد بحث رقابت‌های بیشتری را در آینده بر سر انرژی [9] به خود خواهد دید، این امر به معنای آن است که بخش اساسی از ثبات یا بی‌ثبات جهان آینده به نوعی تابع روند تحولات این منطقه خواهد بود.

نتیجه گیری

همچنان که برژنسنکی می‌گوید: از زمان شکل‌گیری نظام دولت در سال 1648 تاکنون، اوراسیا کانون سیاست بین الملل بوده است [19]. در طی جنگ سرد آمریکا در راستای استراتژی کانتینمنت جهت مهار شوروی اقدام به شکل‌دهی یک سلسله از ترتیبات امنیتی کرده بود. به نظر می‌رسد این استراتژی، این بار در کشورها و سرزمین‌های اطراف روسیه، یکی از کشورهایی که احتمال هم‌اوردی آن با آمریکا می‌رود، مدنظر کاخ سفید قرار گرفته است. از این طریق کاخ سفید در نظر دارد تا با نفوذ و تثبیت موقعیت خود در منطقه و حمایت از کریدورهای موجود با وجود صرف اقتصادی اما در نبود امنیت، ضمن کامل‌کردن حلقه محاصره ایران و روسیه، در استراتژی خورشید تابان هم که اصول آن بر حضور آمریکا در مناطق جغرافیایی با هدف تضمین هژمونی امریکاست موفقیت حاصل کند، این در حالی است که با این عمل امنیت منطقه و بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی مناسبات قدرت در منطقه به‌گونه‌ای است که به هیچ وجه با بسیاری از کدهای ژئوپلیتیکی تعریف‌شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هماهنگی و مطابقت ندارد. به عبارتی، با مشاهده روندهای موجود و حاکم بر منطقه، ایران نه تنها به لحاظ ژئوپلیتیک در حوزه انرژی در منطقه سرآمد نیست، بلکه به علت حضور و نفوذ رقبای قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بسیاری از فرصت‌ها و مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک خود را از دست داده است. از این رو، ایران برای برون‌رفت از این وضعیت باید بتواند یک ارتباط منطقی و همسو با ویژگی‌های جغرافیایی، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه و سیاست خارجی خود بیابد.

منابع

- [1]. کمپ، جفری، رابرت هارکوی، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه. جلد اول. ترجمه: سیدمهدی حسینی متین. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، (1383)، ص 191
- [2]. الزامات ژئوپلیتیکی انرژی دریای خزر: روزنامه دنیای اقتصاد : نشانی سایت: aftar.ir
- [3]. امیراحمدیان، بهرام، بررسی علل و پیامدهای حضور ایالات متحده در قفقاز، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، (1388)، شماره دوم
- [4]. زرگر، افشین. منازعات منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر امنیت انتقال انرژی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم، (1386)، شماره 60
- [5]. گارور، جان، گسترش همکاری منطقه‌ای در زمینه انرژی دریای خزرپروژه کراس نکا چین و ایران، ترجمه: بدرالزمان شهبازی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (1383)، شماره 47
- [6]. EIA). (2008). "Angola",Country Analysis Briefs, March. Availableat: <http://www.eia.doe.gov/cabs/Angola/pdf.PP52-56>.
- [7]. EIA). (2008). "Angola",Country Analysis Briefs, March. Availableat: <http://www.eia.doe.gov/cabs/Angola/pdf.PP52-56>.
- [8]. امیراحمدیان، بهرام، بررسی علل و پیامدهای حضور ایالات متحده در قفقاز، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، (1388)، شماره دوم، ص 87
- [9]. WWW.inogate.org/html/maps/mapsgas.htm.
- [10]. EIA). (2008). "Angola",Country Analysis Briefs, March. Availableat: <http://www.eia.doe.gov/cabs/Angola/pdf.PP61-67>.
- [11]. EIA). (2008). "Angola",Country Analysis Briefs, March. Availableat: <http://www.eia.doe.gov/cabs/Angola/pdf.PP61-67>.
- [12]. حافظنیا، محمدرضا. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: نشر سمت، (1388)، صص 344-345
- [13]. https://en.wikipedia.org/wiki/Kirkuk%E2%80%93Ceyhan_Oil_Pipeline.
- [14]. https://en.wikipedia.org/wiki/Kirkuk%E2%80%93Ceyhan_Oil_Pipeline.
- [15]. <http://ayaronline.ir/1392/06/34195.html>.
- [16]. ملکی، عباس، امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران، راهبرد یاس، (1386)، شماره 12
- [17]. https://en.wikipedia.org/wiki/Trans-Arabian_Pipeline [17]
- [18]. واعظی، محمود. انرژی اوراسیایی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، (1386).
- [19]. Brzezinski. Zbigniew (1997) Grand Chess Board Basic Book.

پی نوشت:

[1] در مورد ذخایر نفتی دریای خزر آمار متعددی ارائه شده است، با این حال بر اساس برآوردهای قابل اتکاء «ذخایر اثبات شده نفت خزر بین 16 تا 32/5 میلیارد بشکه (2 تا 4 میلیون تن) و ذخایر گاز طبیعی آن 236 تا 337 تریلیون فوت مکعب (4/5 تا 7 تریلیون متر مکعب) بر آورد شده است. البته این احتمال وجود دارد که در حدود 163 تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی دیگر نیز در منطقه وجود داشته باشد» (واعظی، 1386: 25).

BTC- [2]

TCGP [3]

[4] که به خط لوله BTE نیز معروف است.

KirkukCeyhan Oil Pipeline [5]

Tap line- [6]

Petro line [7]

[8] این خط لوله رقیبی برای خط لوله نوباکو از آذربایجان به اروپا می‌بود.

[9] بر پایه پیش‌بینی‌های صورت گرفته مصرف جهانی تا سال 2020 روزانه به 111/5 میلیون بشکه خواهد رسید که در این بین سهم خلیج فارس از کل تولید جهانی به 45

درصد تولید جهانی، یعنی 49/8 میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

پایگاه تبیین